

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

م. فروغ
۲۵ سپتمبر ۲۰۲۲

مزدوران استعمار

دیرپست که دشمنان تاریخی خلق
در هر برهه زمانی
در کسوت مزدوران استعمارگر متجاوز،
در رکاب اشغالگران
و در پناه حمایت فوج های اشغالگر
به بهای فروش میهن
و ارتکاب خیانت و جنایت،
در کشورم بر سریر قدرت لمیده اند.
در تداوم سلطه و ستم پارینه
اهریمن اجتماعی و ملی،
از "جمهوریت دموکراتیک خلق"
تا "جمهوریت اسلامی"
و "امارت اسلامی" طالبان؛
از سرخ جامگان "خلق" و
زرد های سرخ نمای "پرچی"
تا سیه و سپید جامگان و کوردلان جهادی و طالبی
از ۷ ثوری های داس و چکش به دست*
تا جلادان تیر و دره به دست
کج کلاه عبوس و عمامه پوش
جهادی – طالبی؛
شما وطن فروشان، قاتلان
و گورکنان خلق و آزادگان

و برباد دهندگان ارزش ها!
این شما و اربابان استعمارگر تان
بودید که
سرزمینم را سوخته،
خلقم را برباد،
ثروت کشور را تاراج،
تمدن را ویران،
غرور ملی را زیر پا،
و فقر، احتیاج و اعتیاد را ترویج کردید؛
گور های دسته جمعی برپا داشته،
با انسانیت و
ارزش های متعالی انسانی
دشمنی ورزیدید و
حضور ارجمند زنان را در جامعه
برنتافتید و آزادیخواهان را
و آن زنان و مردانی را که
"سر شان به تن شان می ارزید"
و به چنگ تان افتاد،
هزار هزار به زندان فرستاده
و شکنجه کردید،
با داس روسی
گردن دهقانان و منادیان آزادی و ترقی را زده و
با چکش آن استعمارگر
بر فرق آزادیخواهان و کارگران کوفتید
و با تیر و شمشیر دین سالاری اسلامیستی
پای فرهنگیان و روشنفکران
را قلم کرده
و زبان شان را بریدید
و میلیون ها انسان مجبور دیگر را
به ترک یار و دیار واداشتید.

ای فروشندگان سرزمینم
آنگاه که فروختید،
چه ارزان فروختید

های وطن فروشان مکار و ریاکار،
ای ناموس فروشان چهار دهه و اند،
ای خون آشامان و جنایتکاران دو قرن
ای مزدوران همتبار ۷ و ۸ ثوری،
و طالبانی ددمنش خودفروخته،
این شما بوده اید که در انتهای ذلت و زبونی
با رقصیدن به ساز دهل
اربابان متجاوز و استعمارگر
روسی، فرنگی، عربی و عجمی تان؛
با ابزار کشتار و به دستور آنان
در کشور قتل عام کردید و
نجات یافتگان از دم تیغ جلادی تان
در صف خلق مظلوم کشور را
آواره ترین آوارگان جهان ساختید.

حال پس از
سال ها جنگ، تجاوز و جنایت؛
سال ها ویرانی، کشتن و سوختن
شهر به شهر و کوی به کوی میهن
و تحمیل مشقت و مهاجرت بر هم میهن؛
سال ها انفجار و دود و باروت
و سال ها سوگواری و چشم انتظاری
مادران ماتمدار در ماتمکده
ساخت استعمار - ارتجاع،
که در اکناف آن آه و فریاد درد مظلومان و
کودکان و زنان و مردان
گرسنه، حرمان کشیده و دربند بلند است؛
آری، اینک به بهای این همه خیانت، جنایت
و تحمیل مشقت و مصائب عدیده؛
در نتیجه تخدیر، تفرق و "بی خویشنی" زحمتکشان
و مولدان تاریخ ساز صف رنج و پیکار،
در فردای هزیمت ستراتیژی و فرار اشغالگر یانکی
که دولی ریاستجویان فراری طالب،
چون دولی ببرک شیاد

از دوحه تا به قندهار و از آن جا
تا ارگ مزدوران پوشالی قبلی روس - امریکا
انتقال یافت،
یک سال سپری شد.

یک سال است که شیفتگان طالبی قدرت
مست از باده پیروزی سهل الوصول
با سرسپردگی تام در قبال مطامع استعماری
اربابان بیرونی،
ضمن جدال درون ساختاری بر سر قدرت،
پا فشردن بر مواضع ارتجاعی
و اجرای مو به موی
برنامه های تاراج و سرکوب؛
بر طبل برتری جوئی، تمامیتخواهی،
فاشیسم و شوونیسم قومی - جنسیتی
و انحصار قدرت نواخته
و با ارتکاب جنایات هول انگیز روزانه،
تعطیل زندگی و سازندگی،
و ستیز با کلیه مظاهر دانش و فرهنگ؛
با زنان و حقوق مسلم شان دشمنی ورزیده
و زنان و مردان
شاغل و جوانان دختر و پسر دانش پژوه را
به زندان خانه فرستاده اند.
فاشیست های طالبی سر آن دارند تا
همدست با حامیان مغرض بیرونی شان
افغانستان را به کشور گرسنگان
و ظلمتکده ای مبدل سازند
تا مردم آن در پی لقمه ای نان
سرگردان و محتاج باشند و
بی خبر از دنیا و مافیها،
تا خود این اهریمنان جنایتکار
بتوانند فارغ از وسواس،
در تاریکی جنایت، سرکوب و تاراج کنند.

در این میان،
همتا های جهادی کج کلاه طالبی
و سائر سران دهاره های جهادی - قومی
بیرون مانده از دائره "امارت اسلامی" طالبانی،
محروم از سهم "روباه" و ثروت غیرمنقول،
در حسرت آرگاه و بارگاه های فرعونى
از دست رفته دیروزی در رکاب اشغالگران غربى
و حین خیانت به میهن و ستم و جنایت بر مردم،
حال با وقاحت تمام و فراموشى
پندار و کردار زشت دیروزی
ضمن شکایت از "فقدان آزادی" و به بهانه
"دفاع از مردم" و "حقوق زنان افغانستان"،
با صحنه آرائی های مضحک فوتوشاپى،
سرگرم مقاومت کذائى، جبهه سازى،
شورا بازى، لابیگرى و خودفروشى اند،
و در حضيض ذلت
در حال تکدى در درگاه ها و دهلیز های طویل
مراکز استخباراتى و رسانه ئى دول شرق و غرب
نالان و سرگردان اند.
اربابان یانكى و غیریانكى این ترکیب مسخره
مزدوران میهن فروش جهادى و سیکولار،
از احمد کج کلاه جهادى تا سپینتای خائن "ملحد"،
در عین تبنانى و تفاهم پنهانى با طالبان،
گهگاهی به مقصد نشان دادن
کله گرگ به مزدوران طالبى،
ضمن نگهدارى رنگین کمانى
از طیف های چاکران کمر بسته و تسلیم طلب
در آستین توطئه (در اروپا، آسیا و امریکای شمالى)،
با بزرگمناى، از هیچ و پوچ
شخصیت کاذب مى سازند،
رهبر و امر مى تراشند
و مزدوران "مدنى" و غیرمدنى (جهادى)
دیروزی را هفت قلم آراسته
و با مسخره کردن آنان

در نقش زنان و مردان "سیاستمدار" و "مدافع آزادی"
و "حقوق زنان افغان"، به کنفرانس ها،
سنتزها و تریبون های
خودساخته نمایشی سازمان "سیا"
می فرستند.

کنون که طالب و امارت اسلامی اش
"بدتر" اند، "جبهه" سازان و "شورا" بزان
مدعی قدرت و افتاده از قدرت، نمونه
"بد" پنداشته می شوند؛
تعدادی روشنفکر مهجور از همه طیف ها،
بی باور به نیروی سازنده و لایزال
توده های آگاه،
همراه با مسخ و تسلیم شدگان،
مرعوب و مجذوب
این صحنه آرائی های ارتجاعی - استعماری،
میان دو گزینه "بد تر" و "بد" سرگردان اند
و از فرط بی برنامگی، استیصال،
بی عملی، یأس و گمراهی
و بی عرضگی تاریخی،
به جای سراغ "همرزمان بهتر"،
انتخاب "بد" از "بد تر"
را مطرح کرده
و برای "احمد مسعود" اخوانی،
ادامه دهنده راه "مسعود جلاد" و
ملعبه درازدستی قوت های ارتجاعی - استعماری،
گرافه گوئی کرده،
کف می زنند و هورا می کشند.
هر دو گزینه "بد تر" طالبی و
"بد" جهادی - قومی، تکنوکراتی،
دو انحرافی اند که
یکی به رضایت دادن به فاشیسم طالبانی
و تسلیم طلبی طبقاتی و دیگری
به تسلیم طلبی طبقاتی - ملی منتهی می شود.

انحراف گزینه "بد"، شعار امپریالیسم یانکی و شرکاء
برای توحید و بسیج مزدوران جهادی، مدنی،
تسلیم طلب و تکنوکرات
و اغوای ناآگاهان و ساده لوحان است.
تحقق این شعار به سلطه و ستم و استثمار پایان نه،
که در عین تداوم، صرف شکل و شدت
آن را تعویض می کند.

این انحراف انتخاب "بد"

راه به رستگاری

ملی - اجتماعی ستمکشان کشور نه،

که راه به جهنم سوزان

سلطه ارتجاعی - استعماری می برد

و مثل گزینه طالب، اسارتبار است.

هر نوع تمکین در برابر انتخاب "بد"

و یا رَجَز خوانی و هورا کشیدن برای آن

توسط منسوبان و مدعیان

طیف های مبارزاتی چپ انقلابی،

دموکرات، ملی گرا، لیبرال و

منادیان حقوق زنان و فرهنگیان کشور؛

در حکم وداع با

داعیه داری مبارزاتی در عرصه های فوق است.

در این میان،

صرف گزینه "نه امارت اسلامی طالب" و

"نه سلطه مشترک مزدوران جهادی، مدنی و تسلیم طالب و امپریالیسم"،

هم اصولی و هم نجاتبخش است!

گفته اند که

آزموده را باز آزمودن خطاست!

امپریالیسم یانکی با شرکاء، رقباء

و طیف های مزدوران جهادی، مدنی،

تکنوکرات و تسلیم طلب

دیروزی و امروزی

سرمه های آزموده ای اند

که به کوری چشم می انجامد.

آنان نه دیروز، نه امروز و نه فردا
قصد دفاع از "آزادی مردم افغانستان"
و "حقوق زنان افغان"
را در سر نداشته و ندارند،
هر دو در پی قاپیدن ثروت کشور،
سلطه بر زنان و مردان
ستمکش و بهره ده
و استثمار
نیروی کار اند.

اما،
آزادی توده های خلق
اعم از زنان و مردان ستمکش
از ستم امپریالیسم و سلطه ستمگران بومی،
به دست خود شان میسر است؛
دیر یا زود،
آن روز رسیدنیست
که زحمتکشان تحت ستم
بدانند که در صورت کسب آگاهی و
انسجام طبقاتی و به پا خاستن،
زمین زیر پای شان می لرزد.
آن روز روشن،
جشن رهائی زنان و مردان محروم و تحت ستم،
سراغاز سروری زحمتکشان
این سرزمین محنت زده
و برچیدن بساط ستمگری مشترک
لشکر جهل و جنایت ارتجاع اجیر طالبی
و کلیه مزدوران خادم و ستمگر "جهادی" - "مدنی"
و کوتاه شدن دست تطاول استعماری
در افغانستان متعلق به زحمتکشان
خواهد بود.

کابل - افغانستان/ جمعه اول میزان ۱۴۰۱ شمسی

* در مورد جنایت جلادان "خلق و پرچم"، از واژه های "داس" و "چکش"، نه ابزار کار و نه نماد وحدت دهقانان و کارگران در اندیشه سرخ، بلکه با توجه به عمق و گستره جنایات سیستماتیک آن جلادان و ارباب متجاوز و قاتل سوسیال فاشیست شوروی آنان و به دلیل مزدوری و سرسپردگی برده وار باند های مزدور، ضد انقلابی و میهن فروش "خلق و پرچم" به امپریالیسم شوروی؛ سوء استفاده از آن نماد و رویکرد فاشیستی، مستفاد می شود.